

بیانیه‌ی شماره‌ی ۶ گرایش کمونیسم شورایی

در محکومیت کشتار سازمان‌یافته‌ی رژیم اسلامی علیه مردم بی سلاح و مبارز

آنچه در چند روز گذشته پس از سخن رانی خامنه‌ای سفاک در جمع مزدوران و گماشتگانش در روز جمعه ۱۹ دی در ایران رخ داده، بر اساس گزارش‌های متعدد، هرچند هنوز به‌طور کامل تأیید نشده، نمی‌تواند و نباید در حد «ناآرامی داخلی» یا «بحران امنیتی» تقلیل داده شود. شواهد میدانی، قطع گسترده ارتباطات، خاموشی عامدانه اینترنت و تلفن، و شهادت‌های پراکنده‌ای که به بیرون درز کرده‌اند، همگی از یک واقعیت واحد حکایت دارند: استفاده عامدانه، برنامه‌ریزی شده و بی‌رحمانه از خشونت مرگبار علیه شهروندان غیرمسلح. ارقام اعلام‌شده توسط شورای سردبیری ایران اینترنت‌نشال با دست کم ۱۲۰۰۰ کشته حتی با فرض حداقلی‌ترین برآورد که خود بر اساس اطلاعات درز پیدا کرده از شورای عالی امنیت ملی، دفتر ریاست جمهوری، بسیج و سپاه، مراکز درمانی و روایت‌های شاهدان و خانواده‌های قربانیان این جنایت سازمان یافته و هدفمند تنظیم گردیده، نشان دهنده‌ی این واقعیت فاجعه بار است که ما با یکی از خونین‌ترین سرکوب‌های تاریخ معاصر ایران روبه‌رو هستیم؛ سرکوبی که ابعاد آن از «کنترل» فراتر رفته و به «کشتار» نزدیک شده است. رژیم اسلامی بار دیگر همان الگویی را تکرار کرده که در آن، جان انسان ابزار حفظ قدرت است. الگویی که در آن، قطع ارتباط با داخل کشور نه یک تصمیم فنی، بلکه بخشی از عملیات است: برای پنهان کردن ابعاد جنایت، برای شکستن همبستگی اجتماعی، و برای دادن دست باز به نیروهایی که بدون پاسخ‌گویی شلیک می‌کنند. این اقدام، به‌خودی‌خود، اعتراف است؛ اعتراف به این‌که آنچه در جریان است قابل دفاع نیست و تنها در تاریکی می‌تواند ادامه یابد.

این حجم از سرکوب و کشتار توده‌های معترض و بی سلاح در خیابان‌های سراسر کشور، پس از جنایات فاشیستی دهه ۶۰، علیه جوانان و مبارزان خیابان که عمدتاً طی روزهای ۱۸ و ۱۹ دی انجام گرفته توأم با قطع سراسری اینترنت به منظور پنهان سازی حجم و اندازه جنایت خود و نیز ایجاد اختلال در شبکه ارتباطی مبارزان، جامعه را در سرashیب یک تغییر اساسی و تاریخی قرار داده است: یا یکسره کردن کار رژیم با حداکثر قدرت و انگیزه یا عقب نشینی و مجال دادن به بقای رژیم. راه سومی وجود ندارد.

این نیز آشکار است که در صورت استمرار رژیم از پس سرکوب توده‌ها، آخرین بارقه‌های مشروعیت و صلاحیت و اعتبار رژیم در داخل و خارج از میان می‌ورد. یک ورشکستگی کامل اخلاقی و تبدیل قطعی رژیم به یک حکومت کاملاً منزوی، ضد بشری و غیر قابل اعتبار که از انجام کوچک ترین نقش سیاسی و اقتصادی و اجتماعی در کشور و در سطح منطقه و جهان ناتوان است.

این رژیم سال‌هاست که هر اعتراض را «توطئه»، هر معترض را «دشمن»، و هر گلوله را «ضرورت امنیتی» نامیده است. اما زبان واقعیت را عوض نمی‌کند. شلیک به مردم، بازداشت کور، ناپدیدسازی، و ایجاد رعب سراسری، نه ابزار حکومت، که نشانه فروپاشی مشروعیت است. حکومتی که برای بقا نیازمند کشتن شهروندان خود باشد، دیگر دولت نیست؛ ساختاری است که با زور عریان خود را سر پا نگه داشته است. مسئولیت مستقیم این کشتار بر عهده بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در رژیم اسلامی است. هیچ «خودسری میدانی» ای، هیچ «شرایط اضطراری» ای، و هیچ «ابهام اطلاعاتی» ای این مسئولیت را کم نمی‌کند. زنجیره فرماندهی روشن است و تجربه تاریخی نشان داده که این نوع سرکوب بدون چراغ سبز سیاسی ممکن نیست. هر مقام، هر نهاد، و هر فرمانده‌ای که در این سه روز نقش داشته، چه با دستور، چه با اجرا، چه با سکوت، در این جنایت سهیم است. خطاب این بیانیه تنها به رژیم نیست؛ خطاب به جهان است. به دولت‌هایی که سال‌هاست میان «منافع» و «حقوق بشر» یکی را انتخاب می‌کنند. به نهادهای بین‌المللی که محکومیت‌های بی‌دندان صادر می‌کنند و بعد

به روال عادی بازمی‌گردند. محکوم‌کردن لفظی، دیگر نه کافی است و نه قابل قبول. این سطح از خشونت، پاسخ سیاسی هم‌سطح می‌طلبد. ما خواستار اقدامات مشخص و فوری هستیم:

نخست، به رسمیت شناختن این وقایع به عنوان سرکوب مرگبار سازمان یافته و آغاز تحقیقات مستقل بین‌المللی، بدون اتکا به روایت‌های رسمی رژیم.

دوم، اعمال فشار دیپلماتیک واقعی، نه نمادین. کلیه سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های رژیم اسلامی باید تعطیل شوند. ادامه فعالیت دیپلماتیک با حکومتی که در حال کشتار مردم خود است، به معنای عادی‌سازی جنایت است.

سوم، تعلیق و قطع هرگونه همکاری امنیتی، اطلاعاتی و نظامی—مستقیم یا غیرمستقیم—با این رژیم.

چهارم، پیگیری مسئولیت کیفری فردی مقامات دخیل، از طریق سازوکارهای بین‌المللی موجود، و آماده‌سازی پرونده‌ها برای زمانی که مصونیت سیاسی دیگر سپر جنایت نباشد.

جهان باید تصمیم بگیرد: یا این کشتار را «مسئله داخلی» بنامد و شریک سکوت و جنایتکاران رژیم اسلامی بماند، یا با هزینه‌دادن سیاسی، کنار مردمی بایستد که بی‌سلاح، بی‌پناه، و زیر آتش‌اند. تجربه نشان داده که بی‌عملی، رژیم‌های سرکوبگر را جسورتر می‌کند. هر ساعت تأخیر، به معنای جان‌های از دست‌رفته‌ی بیشتر است. این بیانیه نه از موضع احساس، بلکه از موضع مسئولیت نوشته شده است. اگر امروز این سطح از خشونت با چند جمله‌ی «ابراز نگرانی» پاسخ بگیرد، فردا استاندارد جنایت پایین‌تر خواهد آمد و مرزهای قابل قبول کشتن، جابه‌جا می‌شود. این یک هشدار است، نه فقط درباره‌ی ایران، بلکه درباره‌ی آینده‌ی نظم بین‌المللی‌ای که قرار بود بعد از قرن بیستم، کشتار دولتی را تحمل نکند. سکوت، بی‌طرفی نیست. سکوت، انتخاب است. و در برابر کشتار، انتخاب سکوت، انتخاب طرف قاتل است.

ننگ و نفرت بر رژیم جنایتکار اسلامی

نابود باد دیکتاتوری ولایت فقیه

پیروز باد نبرد حماسه وار مردم ایران علیه رژیم سفاک اسلامی

زنده باد آزادی برابری اداره شورایی

گرایش کمونیسم شورایی

۲۳ دی ۱۴۰۴ برابر ۱۳ ژانویه ۲۰۲۶